

Comparative Analytical Study of Ghazal Poems between Mahmoud Al-Musawi and Sayyid Hasan Al-Husseini

Majid Mohammadi¹, Mohammad Kalami², Mohammad Nabi Ahmadi³, Yahya Maarouf⁴

¹ specialized doctorate, associate professor of Arabic language and literature, Razi University, Kermanshah, Iran (corresponding author). m.mohammadi@razi.ac.ir

² PhD students in Arabic language and literature, Razi University of Kermanshah, Iran. mymercifullord2012@gmail.com

³ Ph.D., Associate Professor of Arabic Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran. mn.ahmadi217@yahoo.com

⁴ Ph.D., Associate Professor of Arabic Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran. y.marof@yahoo.com



Abstract

Comparative literature, being an interdisciplinary field, studies the literary heritage of different nations. In this field, the scope of literature transcends national and local boundaries to observe the differences and commonalities between the views and ideas of poets from two nations in a comparative way. Consequently, comparative literature holds a prominent place in the world of literature and is expressed through various poetic forms. Sonnet is one of the most important types of lyrical poetry and has had a significant role in the evolution and creativity of poetic content in past literary eras. Despite its great diversity, contemporary poets in Persian and Arabic literature have embraced Sonnet, pouring their emotions into it and expressing their feelings through it. Poets Mahmoud Al-Musawi and Sayyid Hasan Al-Husseini are among the prominent contemporary poets in this field. They have embraced this poetic form and composed Sonnets in its three types: mystical Sonnet, love Sonnet, and religious Sonnet. Therefore, this study aims, through a comparative methodology within the framework of comparative literature and the descriptive-analytical approach, to present a comparative study of the content of the Sonnets of poets Al-Musawi and Hasan Al-Husseini. The research results showed that the poets, in an artistic and poetic manner, addressed themes such as 'divine love, reaching the eternal beloved, describing love with blood and fire, supplication to attain union, and the originality of love' in mystical and love Sonnets. However, Hasan Al-Husseini's revolutionary orientation gives his poems a distinctive character, setting them apart from his Arabic counterpart, and this distinction reaches its peak in religious Sonnet and mystical sonnet in AL-Musawis poem.

Key words: Arabic, book, high, school, translation, verbs



Received date: 2024/10/09 Review date: 2024/12/14 Accepted date: 2024/12/17 Online publication date: 2025/02/19

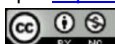
Cite this article: Citing this article: Mohammadi, Majid ; Kalami, Mohammad; Ahmadi, Mohammad Nabi; Maarouf, Yahya (2025). Comparative Analytical Study of Ghazal Poems between Mahmoud Al-Musawi and Sayyid Hasan Al-Husseini. Research in Arabic language and literature education, 6 (2), pp. 23-37. 

Publisher: Farhangian University

© the authors

[http:// https://amozesharabi.cfu.ac.ir](http://https://amozesharabi.cfu.ac.ir)

Article type: Research Article



دراسة تحليلية مقارنة لأشعار الغزل عند محمود محمد الموسوي و السيد حسن الحسيني

مجيد محمدى^١، محمد كلامى^٢، محمدنبى احمدى^٣، يحيى معروف^٤

^١دكتوراه متخصص ، أستاذ مشارك في اللغة العربية وآدابها، جامعة الرازي، كرمانشاه، إيران (المؤلف المسئول). m.mohammadi@razi.ac.ir
^٢طالب دكتوراه في اللغة العربية وآدابها، جامعة الرازي في كرمانشاه، إيران. mymercifullord2012@gmail.com
^٣دكتوراه، أستاذ مشارك في اللغة العربية وآدابها، جامعة الرازي، كرمانشاه، إيران. mn.ahmadi217@yahoo.com
^٤دكتوراه، أستاذ مشارك في اللغة العربية وآدابها، جامعة الرازي، كرمانشاه، إيران. y.marof@yahoo.com



الملخص

يدرس الأدب المقارن بوصفه علماً متعدد التخصصات، التراث الأدبي للأمم المختلفة. ففي هذا الحقل تتجاوز ساحة الأدب الحدود الوطنية والمحلية لكي ترصد أوجه الفرق والقواسم المشتركة بين آراء وأفكار شعراء أمتين بطريقة مقارنة؛ ولهذا يحظى الأدب المقارن بمكانة بارزة في عالم الأدب ويُعبّر عنها بالأنواع الشعرية المختلفة. يعتبر غزل أهم الأنواع الشعرية في الشعر الغنائي وكان له حصة الأسد في التطور والإبداع من بين الأنواع الشعرية من ناحية المضمون في العصور الأدبية الماضية. ولئن كان الغزل يتمتع بتنوع كبير، أقبل عليه الشعراء المعاصرون في الأدبين الفارسي والعربي وصبّوا مشاعرهم في بوتقة الغزل وعبروا عن أحاسيسهم من خلاله. فالشاعر محمود محمد الموسوي والسيد حسن الحسيني من أبرز الشعراء المعاصرين في هذا المجال. فقد أقبل الشعاران على هذا النوع الشعري وأنشدا الغزل بأنواعه الثلاثة الغزل العرفاني، والغزل العذري، والغزل الديني. وعليه، فإن هذه الدراسة تسعى من خلال المنهج المقارن وفي إطار الأدب المقارن والمنهج الوصفي-التحليلي، أن تقدّم دراسة مقارنة لمضمون غزل الشاعر محمود الموسوي وحسن الحسيني. أظهرت نتائج البحث أنّ الشعارين تطرّقا بصورة فنية وشعرية رائعة إلى مضامين مثل «الحب الإلهي، والوصول إلى الحبيب الأبدي، وصف الحب بالدم والنار، والتضرّع للوصول، وأصاله الحب، و...» في غزلياتهم. بيد أنّ التوجّه الثوري لدى حسن الحسيني يطبع أشعاره بطابع خاص يميّزه عن أشعار صاحبه العربي ويبلغ هذا الاختلاف أو التميز ذروته في الغزل الديني والعرفاني عند محمود الموسوي.

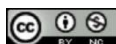
الكلمات الرئيسية: الأدب المقارن، محمود محمد الموسوي، حسن الحسيني، الغزل العرفاني، الغزل العذري، الغزل الديني.



تاريخ الإستلام: ١٤٠٤ / ٠٤ / ١٣ تاريخ المراجعة: ١٤٠٤ / ٠٦ / ١٣ تاريخ القبول: ١٤٠٤ / ٠٦ / ١٥ تاريخ النشر على الإنترنت: ١٤٠٤ / ٠٨ / ٢٠

نقلًا عن هذا المقال: مجيد، محمدى، كلامى، محمد؛ احمدى، محمدنبى؛ معروف، يحيى (١٤٠٤). دراسة تحليلية مقارنة لأشعار الغزل عند محمود محمد

الموسوي و السيد حسن الحسيني. البحث في تعليم اللغة والأدب العربي، ٦ (٢)، ص ٢٣-٣٧. doi: 10.30610/teaching-arabic-language-and-literature.6.2.23-37
الناشر: جامعة فرهنجيان <http://amozesharabi.cfu.ac.ir> © المؤلفون نوع المقال: مقال بحثي



تحلیل تطبیقی غزل در شعر محمود محمد الموسوی و سید حسن حسینی

مجید محمدی^۱، محمد کلامی^۲، محمدنبی احمدی^۳، معروف، یحیی^۴

^۱دکترای تخصصی، دانشیار زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول). m.mohammadi@razi.ac.ir
^۲دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی کرمانشاه، ایران. mymercifulord2012@gmail.com
^۳دکترای تخصصی، دانشیار زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. mn.ahmadi217@yahoo.com
^۴دکترای تخصصی، دانشیار زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. y.marof@yahoo.com



چکیده

ادبیات تطبیقی به عنوان دانشی بین رشته ای به بررسی ادبیات ملت های مختلف می پردازد در این دانش دامنه ادبیات از مرزهای ملی و بومی فراتر رفته است و بیان تفاوت ها و اشتراکات دیدگاه های شاعران دو سرزمین به شیوه تطبیقی، از اهمیت بالایی در دنیای ادب برخوردار است که در قالب های مختلف شعری بیان می شود. غزل مهمترین قالب غنایی است که بیشترین تحول و نوآوری را از نظر محتوا نسبت به دوره های گذشته پذیرفته است. به دلیل تنوعی که در شکل های غزل وجود دارد، شاعران معاصر عرب و فارس برای بیان اهداف و اندیشه های خود، از این قالب هنری بسیار بهره برد اند. محمود محمد الموسوی و سید حسن حسینی دو شاعر معاصر هستند که سه شکل غزل عرفانی، عاشقانه و دینی در سروده های آنان به چشم می خورد، بنابراین؛ در پژوهش حاضر با رویکردی مقایسه ای در چهارچوب ادبیات تطبیقی با روش توصیفی - تحلیلی، مضمون غزل های محمد الموسوی و حسینی مورد بررسی قرار گرفته است یافته ها نشان داد که هر دو شاعر با بیانی هنرمندانه به مضمون هایی چون «عشق به خدا، رسیدن به محبوب ازلی، توصیف عشق به خون و آتش، تمنای وصال، اصالت عشق و...» در غزل های عارفانه و عاشقانه خود پرداخته اند؛ هرچند به دلیل تفکر انقلابی حسن حسینی، در نوع بیانشان تفاوت هایی وجود دارد، می توان گفت این تفاوت در غزل دینی آن دو نمود بیشتری دارد.

کلید واژه: ادبیات تطبیقی، محمود محمد الموسوی، سید حسن حسینی، غزل عارفانه، غزل عاشقانه، غزل دینی.



تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۷ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱
استناد به این مقاله: محمدی، مجید؛ کلامی، محمد؛ احمدی، محمدنبی؛ معروف، یحیی (۱۴۰۳). تحلیل تطبیقی غزل در شعر محمود محمد الموسوی و سید حسن حسینی. پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب، ۶(۲)، ص ۳۷-۲۳. doi

۱- مقدمه

ارتباط میان ادبیات و جامعه امری واضح و انکارناپذیر است. البته این امر خاص ادبیات نیست، بلکه این رابطه میان جامعه و دیگر هنرها نیز برقرار است، اما در ادبیات نمود بیشتری نسبت به هنرهای دیگر دارد. عامل مهم در گسترش، رشد و بالندگی ادبیات، خارج شدن آن از حوزه ملی و ارتباط با ادبیات ملل دیگر است، و این مسأله از موضوعاتی است که در حوزه ادبیات تطبیقی مورد بررسی قرار می‌گیرد بنابراین؛ «موضوع ادبیات تطبیقی به تاریخ ملی و ادبیات هر ملت و پیوند تمدن ایشان با دیگر ملت‌ها مرتبط است.» (ندا، ۱۹۹۱: ۹۵) این علم شاخه‌ای از نقد ادبی است که از تعامل و تلاقی ادبیات در زبان‌ها و ملیت‌های مختلف سخن می‌گوید و به بررسی و تجزیه و تحلیل ارتباط‌ها و شباهت‌های بین آنها می‌پردازد، بنابراین؛ از فواید پژوهش و مطالعه تطبیقی، افزونی تفاهم و نزدیک شدن ملت‌ها به یکدیگر و بهره‌گیری از ادبیات بیگانه در جهت پربار کردن و غنی‌تر ساختن ادبیات ملی استفاده می‌شود و بسیاری از پژوهشگران به آن روی آورده‌اند. بر پژوهشگر ادبیات تطبیقی است که با از حوزه ادبیات ملی فراتر نهد و به مطالعه در ادبیات دیگر ملل بپردازد. غزل از قالب‌های شعر سنتی است که مفاهیم لطیفی را در برمی‌گیرد و اکثر شاعران فارسی و عربی در آن قلم فرسایی کرده‌اند. غزل بیشتر در مضمون عاشقانه به کار رفته است اما ممکن است از غزل برای بیان مضمون‌های اخلاقی، دینی، معرفتی، میهن‌پرستانه یا هر نوع تجربه شاعرانه دیگری هم استفاده شود، بنابراین در غزل‌های یک شاعر، ممکن است تنوع مطلب وجود داشته باشد. محمود محمد الموسوی، سید حسن حسینی از جمله این سرایندگان هستند که به غزل سرایی در سه مضمون عاشقانه، دینی و عارفانه و معرفتی پرداخته‌اند، بنابراین؛ این مقاله ضمن بررسی تطبیقی غزل‌های این دو شاعر با روش توصیفی - تحلیلی در صدد پاسخگویی به سوالات زیر است:

۱- غزل‌های حسینی و محمد الموسوی به چند دسته تقسیم می‌شوند؟ ۲- مضامین و درون مایه غزل در شاعران موردنظر کدامند و در این مضمون‌ها چه همسانی‌ها و تفاوت‌هایی باهم دارند؟ ۳- با توجه به منسوب بودن هردو شاعر به خاندان اهل بیت، به چه میزان به فراخوانی اهل بیت در اشعار تغزلی خود پرداخته‌اند

۱-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

سید حسن حسینی و محمود محمد الموسوی از شاعران شیعی معاصر و شیفته انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) هستند که ابیات غزل گونه آنان از جذابیت و زیبایی خاصی برخوردار است، و با نگاهی ادیبانه و شعوری هنرمندانه، بسیاری از مضامین ارزش‌های دینی، تاریخی و عرفانی را به رشته نظم درآورده‌اند و صحنه‌ای را با قلم وجدان و ضمیر هنرمندانه خود برای خواننده ترسیم می‌کنند، که در بردارنده پیام‌ها و درس‌های اخلاقی است؛ بنابراین، پژوهش مذکور به منظور آشنایی با ماهیت شعرهای تغزلی این دوشاعر به شیوه تطبیقی براساس مکتب آمریکایی، به رشته تحریر درآمده است.

۱-۲. پیشینه تحقیق

از آن جا که دیوان محمد الموسوی به تازگی در «دار الولا» لبنان منتشر شده و ایشان اشعار فراوان خویش را پیشتر منتشر نکرده بود، بنابراین؛ وی آن طور که باید و شاید در بین جامعه ادبی و ناقدان شناخته نشده است و تنها پژوهشی که در زمینه شعرهای او صورت گرفته، رساله دکترای با عنوان «تحلیل ساختار و مضامین شعری در دیوان محمود محمد الموسوی» به قلم محمد باقر مهدوی تیکدروی (۱۳۹۸) در دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار است، اما مقالات و پایان نامه‌هایی به بررسی شعرهای سید حسن حسینی از جنبه‌های مختلف پرداخته که به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

مقاله «تحلیل و تطبیق اصول مکتب رمانتیک (با تکیه بر آثار سید حسن حسینی و جبران خلیل جبران)» شهلا خلیل‌اللهی و پوران تاج‌آبادی (۱۳۹۸) دو فصلنامه ادبیات دفاع مقدس دانشگاه شاهد، که نویسندگان این مقاله به بررسی مؤلفه‌های رمانتیک در اشعار این دو شاعر و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رمانتیسم در شعر معاصر فارسی و عربی پرداخته‌اند.

مقاله «شگردهای سبکی در شعر متعهد عربی و فارسی (مطالعه مورد پژوهانه: شعر سید حسن حسینی و جواد جمیل)» نرگس انصاری (۱۳۹۶) کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی دانشگاه رازی کرمانشاه، عناصر سبکی و زبانی دو متن عربی و فارسی را بررسی کرده و قدرت و توانمندی شعر حسینی را نشان داده که بر شعر عربی سبقت گرفته و از زبانی متمایز بهره برده است.

پایان نامه کارشناسی ارشد «بررسی سبک، اندیشه و محتوای اشعار سید حسن حسینی» حبیبه بیگم مرتضوی تنها (۱۳۹۳) دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی. که در این پایان نامه اشعار این شاعر از جنبه‌های فکری، ادبی و زبانی مورد تحلیل و واکاوی قرار گرفته است.

مقاله «تحلیل درون مایه‌های مقاومت در اشعار «سمیع قاسم»، «حسن حسینی» و «قیصر امین‌پور» کبری روشنفکر و همکارانش (۱۳۹۰) فصلنامه زبان و ادبیات تطبیقی، نویسندگان این مقاله به بررسی همسانی و تفاوت‌های شعر مقاومت و عناصر آن در اشعار این دو شاعر پرداخته‌اند. با توجه به آنچه بیان شد می‌توان

خاطر نشان کرد که تاکنون پژوهشگری در زمینه تطبیقی در غزل های سید حسن حسینی و محمود محمد الموسوی، مطلبی را به رشته تحریر درنیاورده است، و از این جهت مقاله پیش رو، پژوهشی کاملاً جدید به شمار می آید.

بحث و بررسی

۲- زندگی نامه محمود محمد الموسوی

دکتر محمود محمد الموسوی مشهور به محمود مناف در محیط سرشار از دستاوردهای علمی و فرهنگی بغداد در خانواده ای هاشمی و جلیل القدر که به امام موسی کاظم علیه السلام نسب می رساند در سال ۱۹۵۵م بدنیا آمد. وی دوران کودکی اش را در بغداد و در میان متفکران و ادبای این شهر پشت سر گذاشت و از همان دوران کودکی به همراه پدر بزرگوارش در بسیاری از همایش ها و انجمن های ادبی بغداد شرکت می کرد و بدین طریق احساسات عمیق و نهان خود نسبت به دنیای شعر و ادب را بیدار کرد و وقتی این شور و احساس عمیق را در خود نمایان دید به خواندن و حفظ شعر و ادب قدیم عربی روی آورد و خود را از میراث غنی ادب قدیم عربی سیراب کرد. در ایام نوجوانی که به کتابخانه پدرش رفت و آمد می کرد با یک مصحف قدیمی که در حاشیه آن تفسیر الجلالین نوشته شده بود، دمساز و همدم شده بود تا قرآن را همراه با تفسیر و درک مفاهیم بیاموزد و از بیانات علمای تفسیر در زمینه مفاهیم و ارزش های کلامی و بیانی قرآن بهره مند شود.

در سال ۱۹۷۷ میلادی که مردم عراق در زیارت اربعین امام حسین پیاده روی می کردند او نیز در این پیاده روی شرکت کرد و شعارهایی را علیه دولت بعث و صدام سر دادند و به دنبال این شعارها میان مردم و ارکان دولت بعث درگیری به وجود می آید که به بازداشت تعداد بسیار زیادی از مردم از جمله، سید محمود محمد الموسوی می انجامد و همه آن ها روانه زندان می شوند و تحت سخت ترین شکنجه ها قرار می گیرند. پس از اعمال شکنجه های فراوان، عده زیادی اعدام و عده ای نیز تبعید می شوند و یا به کشور دیگری مهاجرت می کنند. سید محمود، یکی از افرادی بود که مدتی را در ایران گذراند و با به هلاکت رسیدن صدام جنایتکار محمود مناف عازم عراق می شود. او هم اکنون در کشور عراق ساکن است و در زمینه های مختلف شعر و ادب و تألیف کتاب های علوم انسانی و اسلامی به فعالیت می پردازد. (الموسوی، ۲۰۱۹: ۷)

۳- زندگی نامه سید حسن حسینی

سید حسن حسینی (زاده ۱۳۳۵ - درگذشته ۱۳۸۳) در اوایل فروردین ماه ۱۳۳۵ در تهران متولد شد. وی پس از پایان تحصیلات متوسطه به دانشگاه مشهد راه پیدا کرد و در سال ۱۳۵۸ در رشته تغذیه، مدرک کارشناسی خود را دریافت کرد. او در سال ۱۳۵۹ به خدمت سربازی رفت و در طی این دوران، کار نویسندگی برنامه های رادیویی ارتش را برعهده گرفت. حسینی یک سال پیش از این، به همراه تعدادی از شاعران و هنرمندان، جلسه های نقد و بررسی شعر را در حوزه هنری آغاز کرده بود که این فعالیت ها تا سال ۱۳۶۶ ادامه داشت. او در سال ۱۳۶۹ برای ادامه تحصیل به دانشگاه رفت و رشته زبان و ادبیات فارسی را تا مقطع دکترا گذراند. (ر.ک، بیگی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۳۸۷) وی به زبان عربی مسلط بود و از سال ۱۳۵۲ شروع به نوشتن شعر کرد و آثار خود را در مجله فردوسی آن زمان منتشر ساخت. (عرب شیبانی، ۱۳۸۸: ۱۲۴) می توان از جمله آثار او که دربردارنده شعرهایی در قالب غزل است به دو مجموعه شعر «هم صدا با حلق اسماعیل» و «سفرنامه گردباد» اشاره کرد، که شامل اشعار عاشورایی و کلاسیک حسینی می باشند. شعر وی جلوه گر عقاید و طرز فکر انقلابی اوست .

۴- شعر محمود محمد الموسوی و سید حسن حسینی

شعر از دید محمود محمد الموسوی جایگاهی والا و رفیع دارد و نباید نگاهی ابزاری به آن داشت تا برای رسیدن به اهداف و مطامع پست دنیوی از آن سوء استفاده کرد. در نظر او شعر، نردبانی نیست که برای دستیابی به خواسته ها، آن را زیر پا گذاشت تا به اهداف خود رسید؛ بلکه شعر حقیقتی است که روحی در پی رسیدن به آن حقیقت، واژه ها را در کنار هم می چیند :

وما انا مَن ينظم الشعر سلماً

وما انا ممن ينظم الشعر ما اشتهي

لقد ضلَّ شعرٌ للمطامع سلّم

ولكن روحي للحقيقة تنظم

(الموسوی، ۲۰۱۹: ۹۰)

با مطالعه اشعار سنتی و کلاسیک "محمود مناف" چنین استنباط می شود که او پیش از هر چیز در پی ابداع معنایی نوین در زیباترین قالب است. او هرگز خود را به تکلف نمی اندازد تا جنبه لفظی را در شعرش تقویت کند و معنا را به خاطر آن فروگذارد؛ بلکه معنای مطلوب چیزی است که محمود مناف الفاظ را برای آنها می

آورد، از این رو، شعر او روان، جذاب، گیرا و برای همگان قابل فهم است. محمود مناف دیوان شعری نسبتاً حجیمی دارد که در هر دو زمینه شعر خُر و شعر سنتی طبع آزمایی کرده است، اما از آنجا که گرایش او در سرودن شعر بیشتر به سبک شاعران قدیم عربی بوده است، به ندرت از شعر خُر استفاده کرده و اغلب اشعار او در اوزان سنتی سروده شده است.

از ویژگی های شعری حسینی که نشان دهنده شخصیت انقلابی اوست این است که «حسینی از محدود شاعرانی است که لب به سخن نمی گشاید مگر آنکه حرفی حساب شده که بیانگر موضع گیری روحی و اعتقادی اوست بگوید.» (کاکایی، ۱۳۷۶: ۱۰۵) بنابراین می توان گفت با اهمیتی که به مسائل اعتقادی و دینی داشته، بی شک از بانیان شبکه ذهنی و زبانی شعر آرمان گرایان مذهبی است. تکیه به مسأله عاشورا، طنین مظلومیت، زبان نو، رویکرد به قالب های سنتی به خصوص غزل، پیام های اجتماعی، وجه دینی محتوا از شاخصه های شبکه مزبور است. (همان: ۳۰) پرداختن به جنبه دینی در شعر شاعران دفاع مقدس جزء لاینفک اشعار آنان بود و مانند روحی در کالبد جسم ابیات شان دمیده می شد و هدف آنان بیان مفاهیم ارزشمندی بود که آن را در خود پرورده و نهادینه کرده بودند. «شعر حسینی نیز مثل شعر دیگر شاعران دفاع مقدس شعری محتوا گراست، و به همین دلیل چندان در قید فرم نیست و محوریت با محتواست.» (ترابی، ۱۳۸۶: ۷۲)

۵- غزل

غزل در اصل ریشه شناختی به معنای تابیدن و رسیدگی است و در همین معنای تاب دادن نخ و رسیدن هم در قرآن درباره زنی ریسنده به کار رفته «نقضت غزلها» (نحل، ۱۶). مغزل هم به دوک ریسبافی گویند و به آهو و ظبی از آن رو غزال گفتند که حرکت دوپای او به وقت دویدن به شتاب دوک و مغزل مانند است. در شعر شاعران عرب آمده: «وإذا الغزاة في السماء تعرضت» به معنای بروز آفتاب به هنگام سپیده دم است. به همین منوال عرب شعراشقانه را نیز «غزل» نام داد؛ گویی که شاعر تارهای عاطفی و شور و شوق خویش را می تند و می ریسد تا با واژه هایش چون مغزل و دوک ریسبافی، گرد معشوق جامه ای از واژه های شورانگیز ببافد. اما غزل در اصطلاح به نوعی شعر اطلاق می شود که در آن شاعر احساسات عشق و عاطفه خود را نسبت به معشوقه خویش بیان می کند، چه این عشق به انسانی خاص باشد یا به مفاهیم انتزاعی تر مانند عشق الهی یا روحانی. شعر غزلی با عواطف صادق و تعبیر عمیق پر شده است و معمولاً شامل توصیفی از مظاهر زیبایی و فتنه معشوق، به علاوه احساسات شوق و حسرت است. شمیسا در این مورد می گوید: غزل کلاً به معنای اشعار عاشقانه و غنایی است. (شمیسا، ۱۳۶۲: ۲۴۷) بنابراین غزل جزئی از ادبیات غنایی محسوب می شود. «مفاهیمی چون عشق، عرفان، حماسه، اجتماع و... در طول حیات غزل، خود را به وسیله آن بیان کرده اند.» (قاسمی، ۱۳۸۱: ۸۹) با توجه به معنا و مفاهیم غزل های محمود مناف و حسینی، سه نوع دسته بندی برای غزل های آنان در نظر گرفته شده است که عبارتند از: غزل های عارفانه، غزل های عاشقانه و غزل های دینی، که به ذکر و تحلیل نمونه هایی از اشعارشان در هریک از این زمینه ها پرداخته شده است.

۵-۱. غزل عارفانه

غزل عارفانه از انواع شعری است که شاعر با استفاده از زبان عشق و محبت، به بیان مسائل معنوی و عرفانی می پردازد. معمولاً این نوع سبک شعری، حاوی مضامین عرفانی، الهیاتی، و عشق الهی هستند و تلاش می کنند تا رابطه انسان با خالق و محبوبش را به تصویر بکشند. در میان ایرانیان، شعرا مشهوری مانند حافظ، مولانا، و سعدی در این سبک شعرهای زیبایی سروده اند و در میان عرب، میتوانی به شاعرانی همچون ابوالعلاء معری، ابن فارض و حلاج اشاره کرد که همچنان مورد توجه و تحسین قرار می گیرند. شاعر در غزل عارفانه «معمولاً با استفاده از همان الفاظ غزل عادی، از وصف معشوق زمینی روی میگرداند و به عشق و عزت الهی تغزل می نماید.» (ر.ک، یعقوب و عاصی، ۱۹۸۷: ج ۲، ۹۰۲) بنابراین بیان کننده افکار عالی عرفانی و نکته های دقیق اخلاقی و اعتقادی و عشق به مقدسات و پاکی هاست. (رزمجو، ۱۳۷۲: ۲۸) محمود مناف در بسیاری از اشعار خود موضوع غزل عارفانه، عشق و احساس ناب خویش را از حب الهی به تصویر کشیده است. این مضمون در شعر او زیاد به کار گرفته شده که به حق می توان او را شاعر عارف عراقی در عصر معاصر به شمار آورد.

۱-۵-۱. عشق و دلدادگی

هر دو شاعر تصویر شورانگیزی از عشق و دلدادگی عاشق به معشوق حقیقی را به نمایش گذاشته اند. محمود مناف در توصیف این عشق که وجودش را فرا گرفته است، این گونه می سرايد:

حیاتی حَیَاةُ الْحُبِّ دُونَ مِرَاءٍ
أُمِّلْ مِنْكَ الْخَيْرُ وَالْخَيْرُ كُلُّهُ
أَحْبَبُ يَارَبِّ مَحَبَّةً مَوْقِنَ
أَيَا رَبِّ أَخْلَصَنِي لَوَدَّكَ إِنَّهُ

أيا رب إن حالت حوائل أظلمت
وأنت وإن عَزَّ الدَّوَاءُ دَوَائِي
وداذك لي إن الودادَ غَنَائِي
بأنك تجزي الحبَّ خيرَ جزاءٍ
خلاصٍّ ومُنْجاةٍ ودربٍ سناءٍ
لها الشمس حتى آذنتُ بَقْناءٍ
(الموسوی، ۲۰۱۹: ۱۳۲)

همان طور که از فحوای عبارات برمی آید، عشق و دلدادگی به ذات اقدس پروردگار جانمایه اصلی شعر محمود مناف است. شاعر با استعمال تعابیر «دواء» «عزّ الدواء» عشق و ذوب شدن عرفا در محبوب ازلی، همچون جنونی می داند که درمان و علاج آن دشوار و حتی غیر ممکن است؛ زیرا عارف هرگز از عشق دست برنمی دارد و به نهی ناصحان توجهی ندارد، همچنین با تعبیر «الوداد غنائی» ادعا کرده که عاشق عارف از همه چیز بی نیاز است، و عشق به محبوب ازلی تنها نیاز اوست. با توجه به استعمال منادای اضافه «ایا رب» و اینکه «ایا» حرف منادای بعید است؛ بنابراین، محمود مناف آن را به جهت بیان علو شأن و جایگاه والای خداوند به کار برده است و همچنین شاعر در منادای مضاف «رب»، مضاف الیه (ضمیر یاء متکلم) را حذف کرده، تا بدین وسیله نزدیکی و تقرب معنوی به محبوب را اراده کرده باشد

محمود مناف در غزلی دیگر، سرگشتگی و حیرانی خود را در توصیف محبوب بیان می کند. جهالت در شناخت خود را مانع در برابر معرفت نسبت به محبوب می داند و اینچنین سروده است:

أليس غريباً أننى لست عارفاً
وأسعى لغايات الحبيب وكنهه
وما وصف العشاق معشار حسنه
بلى إن من قد أحرق الحب قلبه
بنفسي التي ما بين جنبيّ تزحفُ
لأعرف من مرماه ما ليس يُعرفُ
فكيف يادراك الذين تخلفوا
وإن أجهدوا أفكارهم و تعسّفوا
سريع الی وصف الحبيب مُكَلّفُ
(الموسوی، ۲۰۱۹: ۱۳۰)

شاعر معتقد است محبوب، برتر از این است که در وهم و ادراک بشر بگنجد، و در پایان عنوان می کند که توصیف کردن همه عشاق، عارفان و سالکان برای شناخت او نیست، بلکه از این جهت است که دل آن ها به آتش جمال او سوخته است و این آتش عشق است که عاشق و عارف را برآن می دارد که در وصف معشوق قلم فرسایی کند و به توصیف او زبان بگشاید. با توجه به استعمال تعابیر «عارفاً»، «لأعرف»، «يُعرفُ»، «العشاق» و «أحرق الحب قلبه» شاعر سعی کرده عشق و عرفان را در کالبد شعرش بدمد و بدین شکل خود را عاشقی عارف و دل سوخته در عشق محبوب ازلی معرفی نماید.

حسینی نیز گرایش به معشوق ازلی را در قالب غزل به تصویر می کشد، و مسیر شهادت طلبی را بهترین وسیله برای بیان عرفانی عشق ورزی با محبوب بیان می کند، و این عشق و دلدادگی را با الفاظی حماسی و پر مفهوم ترسیم می کند:

ای زده شعله به شب بارقه باورتان
پیش تا صبح ظفر، دست خدا یاورتان
(حسینی، ۱۳۸۷: ۱۷)

شاعر در ادامه بیان می کند که گام نهادن در مسیر درک وحدانیت خداوند (محبوب ازلی)، رهروانی با اراده و مصمم را می طلبد و بعد عرفانی شهادت که عامل بقای خط شهادت و از خودگذشتگی در راه آرمان های این خون سرخ است، به بعد غیبی و آسمانی که همان عشق و شیفتگی برای دیدار محبوب است، پیوند زده است:

سالکان ره توحید، مبدا سستی

سوز شما راه درازی دگر است

که فرا روی نشود زمزمه خون شهیدان خاموش عرفانی این نغمه زسازی دگر است

(همان: ۲۸)

عنصر عشق که خداوند آن را به آدمی ارزانی داشته، موضوعی اصیل و حیاتی است. عشق حقیقی باید راه به سوی خدایی برد که نمی میرد. (ر.ک: شیمل، ۱۳۷۰: ۴۶۲) این عشق حقیقی در قالب غزل عرفانی در شعر هر دو شاعر به چشم می خورد و معرفت و عشق نسبت به خداوند، محور اصلی و مشترکی است که هر دو شاعر با زبانی متفاوت به بیان آن پرداخته اند. حسینی برای توصیف عشق به خداوند از راه و منش شهادت بهره برده است، و محمود مناف این عشق را جنون تلقی کرده که در توصیف آن سرگردان است .

۲-۵-۱. وصال محبوب

امید و آرزوی وصل به محبوب ازلی از تعبیری است که در غزل های عارفانه بسامد بالایی دارد. امید به وصال در شعر هر دو شاعر وجود دارد و هیچ وقت آرزوی وصال را از دل بیرون نمی کنند. محمود مناف در ابیات زیر، ضمن اشاره به قرب محبوب، یادآور می شود که وقتی برای عارف قرب و نزدیکی به محبوب محقق شد، چگونه ممکن است امیدش ناامید شود؛ حتی اگر موج مصائب و مشکلات بر او هجوم آورده باشد:

أَخِيبُ يَا حَبِيبُ وَأَنْتَ قَرِيبُ	فَبِحَقِّ لَأَلَاءِ بُوْجْهِكْ مَشْرِقُ
بَلَّغْتَ بَلَيَاتِ الْمُنَى مَا قَدْ تَرَى	خُذْنِي إِلَيْكَ فَمَا الْحَيَاءُ سَعِيدُ
وَطَنْ الْمُحِبِّ حَبِيبُهُ وَكَفَى بِهِ	وَمُجَاوِرُ الْمَحْبُوبِ كَيْفَ يَخِيبُ
مِنْ حَيْثُ يَعْبَأُ خَابِرٌ وَطَبِيبُ	كَالْشَّمْسِ لَكِنْ مَا هُنَاكَ مَغِيبُ
إِنْ غَابَ عَنِ عَيْنِ الْمُحِبِّ خَبِيبُ	وَطَنْاً وَمُضْيَاعُ الْخَبِيبِ غَرِيبُ

(الموسوی، ۲۰۱۹: ۲۱-۲۰)

شاعر به وسیله تعبیری مفرد، مانند «أنت، تری، وجهک و خذنی»، حس نزدیکی با محبوب را با خطاب قرار دادنش به طور مستقیم، به مخاطب القا می کند، حسی که در درون او رسوخ کرده، تا حدی که الفاظ و کلماتش را نیز تحت تأثیر قرار داده است. از همان آغاز قصیده به شیوه استفهام «أَخِيبُ» که در غرض نفی به کار رفته است، رشته امید خود را به محبوب پیوند می زند، اما بدلیل سختی های زندگی مادی، مضمون غزل را با گله و شکایت در هم آمیخته و خواستار آرامش در کنار محبوب شده؛ زیرا، مأوای عاشق، محبوب اوست که با ذکر او دل آرام می گیرد.

آن چه که در این غزل، زیبا جلوه نموده، تعبیر «فَبِحَقِّ لَأَلَاءِ بُوْجْهِكْ مَشْرِقُ كَالْشَّمْسِ لَكِنْ مَا هُنَاكَ مَغِيبُ» است. زیبایی این تعبیر عارفانه در این است که شاعر، پرتوی روی محبوب را به پرتوی خورشید تشبیه کرده است، سپس به وسیله حرف استدراک «لكن» افول و غروب خورشید را یادآوری کرده و درخشش همیشگی و برتر بودن روی محبوب نسبت به خورشید را بیان کرده است.

حسینی در غزل «زاد راه» وصال را از دید رزمندگان ترسیم می کند و به نظاره می نشیند:

جز آرزوی وصل تو یک دم نمی کنم	آنکه سربلند مرا آفریده ای
چون آتش فراق تو را آزموده ام	داروی درد هجر، حبیب است بس کنید
یک دم ز سینه مهر تورا، کم نمی کنم	جز پیش آستان تو، سر خم نمی کنم
خوف از عذاب سخت جهنم نمی کنم	من از طبیب خواهش مرهم نمی کنم

حسینی، ۱۳۸۷: ۲۱-۲۲)

حسینی رزمنده ای را تصویر سازی کرده که تنها آرزویش قرب به محبوب است و به امید رسیدن به این آرزو نفس می کشد. محبوبی که مسبب سربلندی اش است، و فراق و دوری از او دردناک ترین عذاب و شکنجه است، تا حدی که تحمل ترس و عذاب جهنم را در برابر فراق از محبوب، ناچیز و تحملش را آسان می انگارد.

در جایی دیگر می گوید که خون شهید رودی پاک، جوشان و روان به سوی محبوب است و هدف و انگیزه اصلی از شهادت را با تعبیر «لقاءالله» بیان می کند :
جوشنده رودی پاک از سرچشمه خلق سوی لقاءالله جاری با شتابند
همان: ۱۳)

«از قرن پنجم، عشق در عرفان و آثار منظوم و منثور عرفانی وارد شد.» (سجادی، ۱۳۷۹: ۲۸۲) محمود مناف و حسینی نیز در اشعار غزلی خود، عشق و عرفان را با هم عجین کرده و درهم آمیخته اند که در جهت اشتیاق رسیدن به محبوب؛ لطافت عاشقانه و کمال عارفانه را بر آن افزوده اند. محمود مناف مأوی و محل آرامش را در جوار محبوب می داند، و هم راستا با این مضمون، حسینی، محبوب را مرهم و داروی درد هجران می داند .
۳-۵-۱. عشق همچون آتش و خون

محمود مناف در یکی دیگر از غزلیات عارفانه اش، از عنصر تصویرساز آتش برای تشبیه شدت عشق به محبوبه اش بهره گرفته است و همچنین عشق را مانند خونی در دل عاشق عارف می داند و اینگونه می سراید:
أحرقَتْ قَلْبِي بِالْهَوَى وَالْحَبُّ فَيْضٌ مِنْ دَمٍ
وَرَمَيْتَنِي بِالشَّوْقِ مَوَارًا وَالْحَبُّ نَارٌ وَاکْتَوَاءُ
زَاكَ تُقَدِّسُهُ الدَّمَاءُ وَفِي الشَّوْقِ الْعِنَاءُ
(الموسوی، ۲۰۱۹: ۸۳)

هنگامی که قلب، خدای تعالی را در برمی گیرد، چیز دیگری در آن نمی گنجد، گویی که حق آن را پر کرده است. (رک، ابن عربی، بی تا: ۱۲۰) این مفهوم تجلی گر اصطلاح عرفانی «فناء فی الله و بقا بالله» می باشد که در غزل محمود مناف نیز تجسم یافته است. شاعر، حضور محبوب را در قلب خویش احساس کرده؛ به همین دلیل، او را مستقیماً خطاب قرار داده و این عشق را به آتشی در قلب تشبیه کرده و رنج و سختی اش را ترسیم کرده است.
حسینی در غزل «از نسل سرخ سربه داران» با واژه های عرفانی مانند خون و گل که نماد شهادت و شهید است، ارجمندی و ارزش والای خون شهید عاشق را بیان کرده است:

بر خاک می غلتند و گل می روید از خاک نازم وقار سرخشان را، این عزیزان
روح بهاران، شوکت باران و آب اند زخمِ زبانِ دشنه را با خون جواب اند
حسینی، ۱۳۸۷: ۱۳)

در حالی که محمود مناف عشق را مانند خون می داند، و آن را عامل ادامه حیات معشوق می داند، حسینی خون شهید را با تعبیر «روح بهاران» توصیف کرده و آن را عامل حیات دانسته که غالب بر بقیه عناصر حیات است، تا جایی که آب و باران که دو عنصر احیای طبیعت هستند، شوکت و ارزش خود را از خون شهید کسب می کنند.

هر دو شاعر بنحوی با تصویرآفرینی زیبا، عشق را به خون و مایه دوام حیات ترسیم کرده اند، با این تفاوت که محمود مناف علاوه بر همانندسازی عشق به خون، عشق را نیز آتشی تشبیه کرده و رنجی را که در این مسیر، عاشق متحمل می شود، با این دو عنصر (خون و آتش) تصویرسازی کرده است. اما حسینی، خون شهید را با بیانی هنرمندانه و خلاقانه، خودِ عشق می داند و طرحی از رنج در اشعارش به چشم نمی خورد، بلکه تصویرگر سراسر زیبایی وصف-ناپذیری است.
۵-۲. غزل عاشقانه

غزل عاشقانه یکی از قدیمی ترین فنون شعر غنایی است که همواره حضور گسترده آن در دیوان های شعری عرب و فارس ملموس بوده و هست و شاعر احساسات و عواطفش را در قالب کلمات می ریزد. «عشق ورزیدن، ویژگی خاص دنیای آدمی است و از آغاز آفرینش تا کنون، با جلوه های رنگارنگ و دلنشین خود، رنج حیات را برای او تحمل پذیر کرده است.» (مختاری، ۱۳۷۷: ۶۸) غزل های عاشقانه عربی دو نوع مکتب را در تاریخ این قوم به خود دیده است که عبارتند از غزل بدوی یا عذری و غزل حضری یا اباحی. (رک: یعقوب و عاصی، ۱۹۸۷: ج ۲، ۹۰۳) «غزل بدوی غزل شاعران عذری است که در شعر خود عشق افلاطونی عیفانه خود را تغنی می کردند، و غزل حضری غزلی است اباحی و دور از عفاف که شاعر در آن از عشق و لذات جسمانی سخن می گوید و بدون آن که احساس شرم و حیا کند از

لذتجویی ها و نوشخواری های خود یاد می کند.» (فاخوری، ۱۳۸۸: ۱۸۷) بنابراین در غزل عاشقانه از موضوعات مرتبط با عشق، وصف معشوق، جور و جفا، بی وفایی، دور از دست بودن معشوق، ناز و غرور معشوق، عهدشکنی و ... صحبت می شود.

ادوار هرش شعر عاشقانه را

۱-۵-۲. تمنای وصال

غزل عاشقانه محمود مناف از نوع عذری است و شاعر فقط از عشق خالص خود نسبت به زنانی به نام «می» و «لیلی» یاد کرده است و احساسات و عواطف خود را نسبت به آنان به تصویر کشیده است. اسم ها رمزی از جمال و جلال محبوب است که دلها به سوی آنان جذب می شوند. شاعر ابیات زیر را در عشق به «می» که به شیوه التماس گونه از او می خواهد به وی روی آورد، سروده است:

لا تَقْرَبِي الْهَجْرَ إِنَّ الْهَجْرَ مَشْوُومٌ الْهَجْرُ هَجْرٌ وَإِنَّ الْهَجْرَ مَذْمُومٌ
يا مَيَّ عَطْفًا وَتَخَنُّنًا وَمَرْحَمَةً وَدَاوِمِي الْوَصْلَ فِي حُبٍّ وَفِي دَعَا
وَسَلِّسْ الرِّفْقَ بِالْأَحْبَابِ مَحْتُومٌ وَالْقَلْبُ مِنْ عَوْسَجِ الْهَجْرَانِ مَكْلُومٌ
فَرَاخِمِ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَرْحُومٌ فَأَكْرَمِ الْعِشْقِ كُلِّ الْعِشْقِ دَيُّومٌ
(الموسوی، ۲۰۱۹: ۱۷۶)

در این ابیات هیچ گونه توصیفی از لذتجویی ها و هرزگی هایی که میان شاعران مجنون و اباحه دیده می شود ارائه نشده است، عشق او عفیف است و تنها خواستار وصل معشوق است و از او می خواهد که از وی دوری نکند و عشق را در دل او ماندگار سازد. شاعر با بیانی بلیغ، درخواست وصل را از معشوق طلب می کند. گاه از نهی - «لا تَقْرَبِي الْهَجْرَ» - در معنای مجازی «إلتماس» استفاده کرده، گاهی با جملات خبری، مثل «إِنَّ الْهَجْرَ مَشْوُومٌ» و «الْهَجْرُ هَجْرٌ» و گاهی با مصادر نائب از فعل امر مثل «عَطْفًا وَتَخَنُّنًا وَمَرْحَمَةً» و در پایان با فعل امر «دَاوِمِي الْوَصْلَ» بر خواسته خود پافشاری کرده، و برای تشویق کردن معشوق به قبول خواسته اش، می گوید: بهترین عشق آن است که ادامه دار و پایدار باشد .

محمود مناف همین مضمون (تمنای وصال) را برای معشوق دیگرش «لیلی» نیز به کار برده است و اینچنین می -سراید:

لَا تَقْرَبِي الْهَجْرَ لَيْلِي الْوَصْلُ فَضْلٌ جَسِيمٌ
فَلَا تَمَلِي حَبِيبًا فَأَنْتِ بِالْوَصْلِ أَوْلَى
يا ما أخیلاً فضلاً يَهْوَاكِ قَلْبًا وَعَقْلاً
(همان)

در این ابیات نیز تأکید و تمرکز شاعر بر عدم هجران است، با این تفاوت که شاعر پس از اعلام این درخواست مزایای وصل و وصال را برای معشوق بیان کرده است و با تعبیر «يا ما أخیلاً فضلاً» از مزایای وصال ابراز شگفتی می -کند، در عشقش به حدی رسیده که قلب و عقلش را فرا گرفته، و با جان و دل عشق ورزی می کند.

حسن حسینی با به کار بردن اصطلاح «شمردن ثانیه ها» نهایت تمنای وصال عاشق (شهدا) را بر زبان جاری می سازد:

این بی شمار لاله رخان در هوای یار روزی خوران سفره عشق اند تا ابد
تا روز وصل ثانیه ها را شمرده اند ای زندگان خاک! مگویید مرده اند
(حسینی، ۱۳۸۷: ۲۰-۱۹)

رسیدن به قرب الهی و روزی گرفتن از معشوق ازلی، عالی ترین درجه ایست که معشوق به عاشق داده و جاودانگی این عشق به تصویر کشیده است. شاعر با عبارت «روزی خوران سفره عشق اند» وصال به معشوق را ترسیم کرده است، و اشاره ای دارد به آیه ۱۶۹ سوره مبارکه آل عمران «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند مرده مپندار بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده می -شوند.

تمنای وصال به معشوق عنصری مشترک در غزل عاشقانه محمود مناف و حسینی است و هر دو شاعر عشقی عفیف و پاک را طلب می کنند، با این تفاوت که حسینی در حالی که عشق زمینی را نفی نکرده؛ اما در قالب شهادت عشق آسمانی را متصور شده و محمود مناف عشق زمینی را ترسیم کرده است. می توان گفت «در واقع عشق زمینی نوعی تمرین و آماده شدن برای تجربه عشق آسمانی است.» (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۱۷۸)

۲-۵. اصالت و ماندگاری عشق

هر دو شاعر پایبند و معتقد به ماندگاری و جاودانگی عشقند و به شکلی این مفهوم را به نگارش درآورده اند. محمود مناف، درخواست از معشوق برای دوام عشق و پرهیز از هجران را با تصویر آفرینی های زیبا و خیال انگیز ترسیم نموده و می گوید:

عَلَى جِسْرِ حُبِّكَ تَسْرَى الْمُنَى
وَلَا تَتْرَكِينَا بُعِيدَ النُّوَالِ
أَطْلَى عَلَيْنَا بِسِحْرِ الْجَمَالِ
وَرُفَى بِأَجْنَحَةِ الْعَائِدَاتِ
وَعُضَى عَنِ الْخِطَا مَا بَيْنَنَا
وَفَاءُ الْخَبِيبِ لِأَحِبَابِهِ
فَلَا تَقْطَعِ الْجِسْرَ وَالْمُنْحَنَى
نَطِيحًا وَقِيدًا يَعَانِي الْوَتَى
كَمَا قَدْ أَطْلَى بِدَيْعِ السَّنَا
لَأَعْشَائِهَا فِي غُرُوبِ دَنَا
فَإِنَّ التَّسَامُحَ أَسُّ الْبُنَى
وَصَدَقَ الْهَوَى خَيْرُ مَا فِي الدُّنَا
(همان: ۱۷۷)

حسینی از عشقی سخن به میان می آورد که در درون عاشق نهاده شده و ریشه ای ماندگار دارد و متذکر شده که اصالت و بن مایه عشق به ابتدای خلقت و پیمان «الست» برمی گردد، و اینچنین می سراید :

ایل و تبارم همه عاشق بودند
سخت دلبسته این ایل و تبارم چه کنم؟
(حسینی، ۱۳۸۸: ۷۵)

سرشتند از عشق و آتش گلم را
به توفان سپردند دست دلم را...
چو شمع مسافر همان گام اول
به آتش کشیدند سر منزل را
(همان: ۸۶-۸۷)

مست می هستی که این گونه حق پرستی
ماییم و وهم مستی در غایت خماری
(حسینی، ۱۳۸۷: ۳۰)

حسینی از شاعران عصر نهضت و انقلاب است «شعر این عصر آمیخته ای از عشق و عرفان و حماسه است، در ادبیات این عصر، آرمان خواهی، فضیلت، ایثار، توحید و در خدمت خدا بودن و خلق بودن است.» (اکبری، ۱۳۷۱: ۱۹) گرچه حسینی و محمود مناف معتقد به عشقی اصیل هستند، اما دیدگاهشان در این زمینه باهم متفاوت است، اندیشه حسینی برای بیان اصالت عشق به باورهای دینی و عرفانی گره خورده و با استعمال واژگان و ترکیب های خاص این مضمون همچون «الست و حق پرستی» آن را ترسیم کرده است، و محمود مناف در سخن از اصالت و ماندگاری بودن عشق از زبان بلاغی و تشبیهات خیال انگیز استفاده کرده و با تصویرسازی مهر مادری پرده نسبت به جوجه هایش با بیانی هنرمندانه، عمق اصیل بودن عشق را ترسیم کرده است.

۳-۵. قلب عاشق

مضمون مشترک دیگری بین مناف و حسینی توصیف قلب عاشق است، در ابیات زیر محمود مناف، قلب عاشقش را در سوز و گدازی از عشق سوزان «می» این گونه به تصویر کشیده است:

طَرَبَ الْقَلْبُ لِمَى
وَاهْتَدَى بِالْحُبِّ لِمَا
قَصَدَ الْحُبَّ كَرِيمٌ
طَرَبَ الْقَلْبُ دَلِيلٌ
وَإِكْتَوَى فِي الْحَبِّ كَى
طَبَقَ الْأَرْضَ الدُّجَى
وَأَتَى الْعَبْدُ الشَّقَى
أَنَّهُ النَّبْضُ الْحَيَّ
الموسوی، ۲۰۱۹: ۶۲

در میان غزل های عاشقانه محمود مناف غزل های بسیاری دیده می شود که شاعر از آتش عشق و سوز و گدازش سخن گفته است، بدون آن که مخاطب عشق خود را مشخص کند، و خود عشق را به صورت «مطلق عشق» خطاب قرار می دهد و اندوهی را که در قلب خود احساس می کند بدان نسبت داده است، و اینگونه تغزل می کند:

نَصِیبِی مِنْکَ فِی نَصَبٍ أَنَا النِّیرَانُ مُضْرَمَةٌ
وَأَنْتَ تَزِیدُنِی حَطْبًا وَرَوْحِی مِنْکَ فِی تَعَبٍ
وَقَلْبِی دَائِمٌ لِلْهَبِّ وَتَقْذِفْنِی عَلَی الْخَطْبِ
همان: ۷۱-۷۰)

شاعر در این ابیات با واژه هایی نظیر «نصب، تعب، النیران، مضرمه، اللهب، تزیدنی حطبا، الحطب» سوز و گداز عشق و مشکلات ناشی از آن در قلب خویش را مکرراً به تصویر کشیده است.

حسن حسینی در غزل «یا علی» از عشق به مولا علی فریادی عاشقانه سر می دهد و قلب عاشق را در حالتی از تحیر و سرگردانی توصیف کرده است:

ای خدا ای خالق مولا علی من تو را می خوانم اما بر زبان
در علی اندیشم و آیا خدا؟ از کنارت نیست راهی تا علی
می رود بی اختیارم یا علی در تو می اندیشم و آیا علی؟
(حسینی، ۱۳۸۸: ۳۶)

قلب عاشق در شعر حسینی قلبی متحیر از عشق توصیف شده و در شعر محمود مناف هیچ گونه تحیری وجود ندارد و به صورت روشن و واضح به توصیف قلبی پرداخته که عشق آن را در بر گرفته است. این تفاوت نگاه دو شاعر برخاسته از شأن و مقام معشوق آنان است، معشوق قلب در شعر حسینی مولا علی است و دارای عظمتی است که لاجرم شگفتی و تحیری سراسر قلب را فرا گرفته در صورتی که در شعر مناف دارای چنین عظمتی نیست.

۳-۵. غزل دینی

در ساختار درونی ادبیات و هنر، نقش عقاید و افکار و خصوصاً باورهای دینی، انکارناپذیر است و حضور دین و رد پای مسائل مذهبی و اعتقادی در شعر بسیاری از شاعران به چشم می خورد که نشان دهنده اهمیت این موضوع می باشد و شاعران برای آگاه سازی اذهان درباره دین و مذهب از بیان شعرگونه استفاده کرده اند و برای تأثیرگذاری بیشتر آن، باورها و اعتقادات دینی خود را در قالب غزل ریخته اند، غزل دینی، نوعی مدح دینی مخصوص پیامبر اکرم (ص) است، اما کثرت عواطف و صداقت بیان آنان در توصیف پیامبر (ص) آنان را وادار کرد تا الفاظی غزلی و وجدانی در مدح پیامبر (ص) به کار ببرند که این امر باعث شد مدح نبوی به حالتی درآید که آن را غزل دینی نامیده اند. این نوع غزل از جهاتی شبیه غزل عذری است و از جهاتی دیگر شبیه غزل عرفانی است. (التونجی، ۱۹۹۹: ۶۷۰)

محمود مناف غزل های دینی متعددی در توصیف پیامبر سروده است، از جمله این غزل ها سروده زیر است :

یا مَطْلَعُ الْقَمَرِ الْمُنِيرِ وَحُسْنُهُ وَلَقَدْ سَكِرْتُ بِخَمْرِ حُبِّكَ سَكْرَةً
إِنْ يَصْحَ مَنْ أَلْفِ الْخَمُورِ فَلَنْ تَرَى ذَاكَ النَّبِيَّ الْمُصْطَفَى فَاشْدُدْ بِهِ
لَيْسَ النِّجَاحُ بِثَرْوَةٍ مَزْهُوَةٍ بَجَمَالِ وَجْهِكَ مَطْلَعُ الْأَفْرَاحِ
شَغَلَتْ عَنِ الْأَحْزَانِ وَالْأَتْرَاحِ مَا بَيْنَ مَنْ أَلْفَا الْهُوَى مِنْ صَاحِ
كَفَّ الرَّجَاءِ يُضَيِّءُ كَالْمَصْبَاحِ بَلْ فِي رِضَا الْمَحْبُوبِ كُلُّ نِجَاحِ
(الموسوی، ۲۰۱۹: ۱۷)

در این غزل چه بسا اگر به اسم پیامبر اکرم (ص) تصریح نمی شد، ابیات در ذهن خواننده، تداعی گر غزل عاشقانه عذری بودند. اما همین امر باعث شده این ابیات از جرگه غزل عاشقانه یا عارفانه خارج و در چارچوب غزل دینی قرار گیرد. شاعر رخسار ماه گونه پیامبر را خطاب قرار داده است و درخشش چهره دلربای او را، مایه شادی و سرور دانسته است. خود را سرمست از باده عشق نبوی توصیف نموده و این سرمستی را فراتر از سرمستی باده نوشی می داند و چنین ادعا کرده که به هوش آمدن از سرمستی باده نوشی امکان پذیر است، اما نوشنده و سیراب شده از جام باده عشق نبوی هرگز هوشیار نخواهد شد، و بیان کرده که کسب رضایت پیامبر را عامل رستگاری و پیروزی است .

محمود مناف در جایی دیگر در عشق به رسول اکرم (ص)، می گوید:

یا رَسُولَ السَّمَاءِ إِنْ الْبَرَايَا وَسُرُورِي إِذَا أَرَانِي لِأَجْلِ الْحُبِّ
كَيْفَ أَلْفَاكَ سِيدِي غَلَّ فِي اللَّقْيَا إِيَّاهُ يَا طَلْعَةَ السَّمَاءِ أَطْلُتْ
إِنَّهُ الْعَشْقُ سِيدِي فَهَلْ اللَّقْيَا يَا قَسِيمَ الْأَقْمَارِ حُسْنًا وَنُورًا

بِشْرُهَا يَوْمَ عَيْدِهَا الْمَزْدَانِ
شِفَاءً لِلْعَاشِقِ الْوَلَهَانِ
شِفَاءً لِلْعَاشِقِ الْلَهْفَانِ
(همان: ۱۱۰)

این ابیات بیانگر همان تصویر رایج از عشق است. عشقی شادی آفرین و در عین حال ایجاد کننده سوز و گداز که غم و بیماری را برای عاشق به ارمغان می آورد. «شاعر معانی و الفاظ عفیف را در عشق به حضرت محمد به کار می برد و او را مستقیماً مخاطب قرار می دهد.» (التونجی، ۱۹۹۹: ۶۷۱)

مفهوم زیبایی که محمود مناف در عشق به رسول الله در شعرش ترسیم می کند، این است که شادی خود را در روزی می بیند که غم عشق پیامبر (ص) او را بیمار و فرتوت سازد. او این بیماری را از این جهت برای خود می پسندد که طبیب دردش دیدار چهره رسول خدا باشد. از این رو با عبارت «نَحُونَا نَحُونَا التَّفَاتَةَ حَانَ» خیال محبوب را به سوی خود فرا می خواند تا با توجه و التفات مهربانانه خویش او را آرامش بخشد.

محمود مناف همچنین در غزلی دیگر، کنار عشق به حضرت محمد (ص)، عشق به خاندان بزرگوار آن حضرت را تغزل می کند:

عَشِيقُ النَّبِيِّ وَالْأَلِ النَّبِيِّ
هُمُ اللَّطْفُ وَالْخَيْرُ وَالْمَكْرُمَاتُ
وَفِي الْعِشْقِ مَعْنَى الْوَفَاءِ الْجَلِيِّ
فَكَيْفَ يَخِيبُ الْمُحِبُّ الْوَلِيَّ

وَمَنْ لَيْسَ يَعِشِقُ رُوحَ الْجَمَالِ
فَيَا رَبِّ زِدْنِي لَهُمْ مَا حَيْبُتُ
وَقَلْبَ الْكَمَالِ فَذَاكَ الشَّقِيُّ
مَوَدَّةَ قَلْبٍ شَفِيفٍ زَكِيٍّ

(الموسوی، ۲۰۱۹: ۴۷)

شاعر، مفهوم وفاداری به پیامبر و خاندان گرامی آن حضرت را، عشق به آنان می داند، و می گوید هر کس عاشق این جلوه جمال و کمال حقیقی نشود، بدبخت است؛ زیرا لطف، خیر و کرامت این خاندان، امید را به دوست دارانشان هدیه می دهد؛ و به این دلیل از خداوند می خواهد تا همواره بر عشق او نسبت به پیامبر و آل او بیفزاید.

غزل های حسینی همچون غزل های محمود مناف نیز به میدان دین کشیده شده و باور و اعتقادات دینی و مذهبی در آن جلوه گری کرده است. شخصیت های دینی و به طور خاص شخصیت های مذهبی و شیعی کانون توجه حسینی قرار گرفته است. «سرآمد باورهای دینی و ریشه همه معنویات ایمان به خداست. ایمان به خدا روح و جان مؤمن را دستخوش دگرگونی و تحولی بنیادین می سازد.» (تقی زاده اکبری، ۱۳۸۷: ۷۹)

حسینی به پشتوانه عاشورا غزل های دینی زیر را درباره انقلاب با مضامین مذهبی سروده، و بین ملیت و دین پیوند برقرار کرده است:

هم آواز خمینی شو زجان و دل حسینی شو
بانگ «هل ناصر» از کوی جماران می رسد
بانگ تکبیر شما مژده فتحی است قریب
در امتداد پرسش تاریخی حسین(ع)
آید به گوش از آسمان: این است مهدی!
بزن در عرصه عالم صلاهی محشری دیگر

حسینی، ۱۳۸۷: ۱۱

درطریق عاشقی روح خدا می خواندم

همان: ۳۳

تا دژ نصر من الله بود سنگرتان

همان: ۱۸

فواره های شما بهترین جواب

همان: (۲۴)

خیزد خروش ازتشنگان: این است باران!

همان: (۳۱)

حسینی با مؤلفه های دینی مانند «هل ناصر، نصر من الله» و شخصیت امام حسین (ع) و حضرت مهدی (عج)، از رویداد عاشورایی و مذهبی تأثیر پذیرفته و برای بیان هدف خود آن را در شعرش به ثبت رسانده است. و راه امام خمینی را با این دو بزرگوار یکی می داند، و با همترازی اش با منجی عالم «حضرت مهدی (عج)»، با واژه «باران» که مایه خیر و برکت است او را ستوده است.

هر دو شاعر از مؤلفه های مذهبی و دینی در غزل دینی خود استفاده کرده اند، کاربرد مفاهیم و مؤلفه های دینی در شعر حسینی به دلیل شرح حوادث انقلاب جایگاه ویژه ای دارد.

نتیجه

در این پژوهش غزلیات دو شاعر فارسی زبان و عرب زبان در مضمون و مفاهیم عاشقانه، عارفانه و دینی مورد بررسی قرار گرفت و می توان نتایج زیر را بیان نمود.

- بررسی غزل های محمود مناف و سید حسن حسینی نشان می دهد؛ سه مضمون «عرفان، عشق و دین» تشابه غزل-های آنهاست و با توجه به تشابه در این زمینه، به نظر می رسد محمود مناف در بیان این مضامین به اطناب روی آورده، به همین دلیل صنعت بلاغی همچون تشبیه و استعاره در غزل های او بسامد بالایی دارد، در حالی که در بیان حسینی ایجاز وجود دارد.

«عشق و دلدادگی، رسیدن به محبوب و عشق همچون آتش و خون»، از درون مایه های غزل عرفانی دو شاعر است گرچه در بیان این مفاهیم راه متفاوتی را پیموده اند، اما مقصد نهایی هر دو محبوب ازلی (خداوند) است. اراده استوار در مسیر عشق به حق، یاری خداوند در این مسیر و شهادت حرکتی عارفانه برای رسیدن به محبوب در غزل عارفانه حسینی جلوه گری می کند در حالی که محمود مناف بیشتر به توصیف عشق به خداوند روی آورده است و قرب الهی یکی از مفاهیم کلیدی در غزلیات عرفانی اوست. در غزل های عارفانه آنها عشق و عرفان باهم پیوند خورده اند.

- در غزل عاشقانه، هر دو شاعر به توصیف قلب عاشق و اصالت و ماندگاری عشق اشاره دارند و تمنای وصال معشوق را در ذهن می پروراندند، و عشقی عفیف و پاک را به تصویر می کشند، با این تفاوت که معشوق محمود مناف زمینی و معشوق حسینی شهادت است؛ بنابراین، روح معنویت بر غزل عاشقانه حسینی حاکم است. همچنین اصالت و ماندگاری عشق در شعر حسینی چشم گیر و ملموس تر است.

- انتساب هر دو شاعر به خاندان اهل بیت و عشق به آنان موجب شد ارادت خود را در قالب غزل دینی به تصویر بکشند، در غزل دینی محور تمرکز محمود مناف بر توصیف پیامبر اکرم پایه گذاری شده است که جلوه بسیار منحصر به فردی به اشعارش داده است، در حالی که حسینی بخاطر هدف و انگیزه انقلابی اش از شخصیت های دینی مانند امام حسین (ع) و حضرت مهدی (عج) مدد گرفته است و اصطلاحات دینی در اشعار حسینی نمود بیشتری دارد.

منابع و مآخذ

منابع عربی

قرآن کریم ترجمه محمد مهدی فولادوند

ابن عربی، محی الدین، (بی تا)، فتوحات المکیه، بیروت: دارصادر.

التونجی، محمد، (۱۹۹۹م)، المعجم المفصل فی الأدب، الطبعة الثانية، بیروت: دارالکتب العلمیه.

فاخوری، حنا، (۱۳۸۸ش)، تاریخ الادب العربی، چاپ دوم. تهران: انتشارات توس.

الموسوی، محمود محمد، (۲۰۱۹م)، دیوان محمود، طبعة الأولى، بیروت: دار الولا.

ندا، طه، (۱۹۹۱م)، الأدب المقارن، بیروت: دار النهضة العربیه.

یعقوب، امیل و عاصی، میشل، (۱۹۸۷م)، المعجم المفصل فی اللغة و الادب، طبعة الأولى، بیروت: دارالعلم للملایین.

منابع فارسی

اکبری، منوچهر، (۱۳۷۱ش)، نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

بیگی حبیب آبادی، پرویز، (۱۳۸۲ش)، حماسه های همیشه، جلد ۱، تهران: نشر صریر.

تراپی، ضیاء الدین، (۱۳۸۶ش)، شکوه شقایق، تهران: سماء قلم.

تقی زاده اکبری، علی، سنگری، محمدرضا و دیگران، (۱۳۸۷ش)، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، جلد ۱، قم: زمزم هدایت.

حسینی، حسن، (۱۳۸۷ش)، هم صدا با خلق اسماعیل، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سوره مهر.

حسینی، حسن، (۱۳۸۸ش)، سفرنامه گردباد، چاپ دوم. تهران: انجمن شاعران ایران.

رزمجو، حسین، (۱۳۷۲ش)، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، چاپ دوم، انتشارات قدس رضوی.

زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۹ش)، از کوچه زندان، درباره زندگی و اندیشه حافظ، تهران: انتشارات امیرکبیر.

سجادی، سید ضیاءالدین، (۱۳۷۹ش)، مقدمه ای بر مبانی عرفان و تصوف، چاپ هشتم. تهران: انتشارات سمت.

سعیدی، گل بابا، (۱۳۸۷ش)، فرهنگ جامع اصطلاحات عرفانی ابن عربی، تهران: زوار.

شمیسا، سروش، (۱۳۶۲ش)، سیر غزل در شعر فارسی، چاپ اول، تهران: انتشارات فردوسی
 شیمیل، آن ماری، (۱۳۸۰ش)، شکوه شمس، ترجمه حسن لاهوتی، چاپ سوم، تهران: نشر دانشگاهی.
 عرب شیبانی، زکيه، (۱۳۸۸ش)، «نمای نزدیک، آشنایی با سید حسین حسینی»، مجله طویی، شماره ۳۴.
 قاسمی، حسن، (۱۳۸۱ش)، صورخیال در شعر مقاومت، تهران: فرهنگ گستر.
 کاکایی، عبدالجبار، (۱۳۷۶ش)، نگاهی به شعر معاصر ایران، تهران: عروج.
 مختاری، محمد، (۱۳۷۷ش)، هفتاد سال عاشقانه، تهران: تیرازه.
 منابع انگلیسی

-Van Tieghem, (۱۹۵۱), La literature comparee, Paris: A.colin

Sources and references

-The Holy Quran, Translated by Mohammad Mahdi Foadvand.

-Akbari, Manochehr. (۱۹۹۴). A Critique and Analysis of the Literature of the Islamic Revolution. Tehran: Organization for Cultural Documents of the Islamic Revolution.

-Anoushiravani, Ali-reza. (۱۳۸۹). "A Critique of Comparative Literature in Iran." Special Issue of the Academy Journal (Comparative Literature), Vol. ۱, No. ۲, pp. ۵۵-۲۲.

-Beigi, Habib Abadi, Parviz, (۲۰۰۲), Hamashay-e Hameyshe, Vol. ۱, Tehran: Nashr-e Sorrir.

-Fakhuri, Hanna, (۲۰۰۸), Tarikh al-Adab al-Arabi, ۲nd edition. Tehran: Entesharat Tus.

-Ghanimi Hilal, Muhammad, (۲۰۰۸), Al-Adab al-Muqaran, Cairo: Nahdat Misr.

-Hussaini, Hassan, (۲۰۰۸), Hamseda ba Halq-e Esmaeil, ۲th Edition, Tehran: Soreh Mehr Publications.

-Hussaini, Hassan, (۲۰۰۹), Safarnameh-ye Gardabad, ۲nd Edition, Tehran: Iranian Poets Association.

-Ibn Arabi, Muhyi al-Din, (n.d.), Futuhat al-Makkiya, Beirut: Dar al-Sadir.

-Kakayi, Abdoljabbar, (۱۹۹۷), A Glance at Contemporary Iranian Poetry, Tehran: Urooj.

-Mohtari, Mohammad. (۱۳۷۷). Seventy Years of Romance. Tehran: Tirajeh.

-Al-Musawi, M. M. (۲۰۱۹). Diwan Mahmud (1st ed.). Beirut: Dar al-Wala'.

-Nada, Taha. (۱۹۹۱). Al-Adab al-Muqaran. Beirut: Dar al-Nahda al-Arabiya.

-Parvini, Khalil, (۲۰۱۲), Al-Adab al-Muqaran (Dirasat Nazariyya wa Tatbiqiyya), Tehran: Samt.

-Qasemi, Hassan, (۲۰۰۲), Imagery in Resistance Poetry, Tehran: Farhang-e Gostar.

-Razmjoo, Hossein, (۱۹۹۲), Literary Genres and Their Works in Persian, ۲nd Edition, Quds-e Razavi Publications.

-Saeidi, Golbaba, (۲۰۰۸), A Comprehensive Dictionary of Ibn Arabi's Sufi Terminology, Tehran: Zavar.

-Sajjadi, Seyed Ziaoddin, (۱۹۹۰), An Introduction to the Foundations of Sufism and Mysticism, ۸th Edition, Tehran: Samt Publications.

-Schimmel, Annemarie, (۱۹۹۱), The Triumphal Sun: A Study of the Works of Jalal al-Din Rumi, translated by Hassan Lahooti, ۲rd Edition, Tehran: University Press.

-Shamisa, Sirous, (۱۹۸۳), The Evolution of the Ghazal in Persian Poetry, ۱st Edition, Tehran: Ferdowsi Publications.

-Taghizadeh Akbari, Ali, Sangari, Mohammad Reza, and others, (۲۰۰۸), Spiritual and Cultural Factors of the Sacred Defense, Vol. ۱, Qom: Zamzam-e Hedayat.

-Trabi, Ziaoddin, (۲۰۰۷), Shokuh-e Shaghayegh, Tehran: Samaa Ghalam.

-Al-Tunji, Muhammad, (۱۹۹۹), Al-Mu'jam al-Mufasssal fi al-Adab, ۲nd edition. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah.

-Van Tieghem, (۱۹۵۱), La literature comparee, Paris: A.colin.

-Yaqub, E. & Aasi, M. (۱۹۸۷). Al-Mu'jam al-Mufasssal fi al-Lugha wa al-Adab (1st ed.). Beirut: Dar al-Ilm lil-Malyun.

-Zarinkoob, Abdolhossein, (۱۹۹۰), From the Alley of the Devotees: On the Life and Thought of Hafez, Tehran: Amir Kabir Publications.